

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اکتوبر ۲۰۲۲

گستره اختناق فرهنگی طالب تا کجا خواهد کشید؟

جمعه - ۲۹ میزان ۱۴۰۱ - کابل: در خبر های دیروز گفته شد که "امر به معروف طالبان در ولایت بادغیس فوتبال را غیر اسلامی دانسته و بازی کردن آن را در آن ولایت ممنوع اعلام داشته اند"

این خبر همان سان که انتظار می رفت در شرایطی که مردم افغانستان در کل و باشندگان ولایات فقیر و دورمانده ای مانند بادغیس هزاران مشکل دیگر دارند، آنقدر بی اهمیت تلقی گردید که به جز همان یک بار از طریق رسانه خبری "طلوع نیوز" حتا در بقیه رسانه ها به مثابه یک خبر نیز انعکاس خبری هم نیافت تا چه رسد به مکتی در باره اش و دادن وقت به بررسی عواقب چنین تصمیمی. در یادداشت امروز مکت کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- قبل از پرداختن به اصل بحث نخست باید یادآور شویم که از دید طالب و نظام ملاسالار و در کل بنیادگرای دینی و عقیدتی من جمله اسلام، بزرگترین خطا، گناه و معصیت کلیت بشریت این است که بعد از بنیانگذاران ادیان، اصولاً حیات انسانی ادامه یافته و با ادامه خود، انسانهای روی زمین را نیازمند به پیدایش مسایل و تولیدات جدیدی نموده است. این طیف به جای این که بپذیرند ادیان مولود دور معینی از تکامل جوامع بوده و با گذشت زمان، تاریخ حکم کهنگی و حتا مرگ را بر آنها می زند و اگر خواسته باشند زنده بمانند می باید خود را با گذشت زمان همگام و هماهنگ تکامل دهند و به زبان انتزیت "به روز" نمایند، تلاش می ورزند با استفاده از زور و جبر و ریختن خون مردم، مانع حرکت رو به جلو جوامع شده، چرخ تاریخ را به عقب برگردانند و به آن پدیده های اجتماعی و فرهنگی اجازه تبارز بدهند که همان ۱۵ قرن قبل در زمان حیات "محمد" و یا هم پیشتر از آن در بقیه ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی وجود داشته است.

برخورد طالب نسبت به پدیده های فرهنگی اجتماعی در کشور ما نیز بر همین اساس و اصل استوار است. از دید آنها هر آنچه ای که در زمان "محمد" وجود نداشت می خواهد انواع ورزش باشد، مجسمه سازی باشد، رقص و موسیقی باشد، هنر و فلم و بقیه دستاورهای فرهنگی که بشریت در طی ۱۵ قرن آنها را به وجود آورده است همه و همه ، به نحوی "بدعت" به شمار رفته، اشتغال به آن از دید فقه منجمد و سنگگ شده اسلامی "لغو و لعب" و "غیر اسلامی" به شمار می رود.

۲- بازه زمانی ۱۴ ماه اخیری که طالب را سکندار مقرر داشته اند، نشان می دهد که طالب هر زمانی که خواسته است یک گام دیگر به عقب برگردد نخست آن عقبگرد را نه از کابل آغاز نموده نه از هرات، قندهار و یا بلخ و ننگرهار،

عکس آن همیشه کوشیده است گامهای برگشت به عقب را نخست از ولایات دور افتاده به خصوص بادغیس آغاز و بعد از اطمینان به سکوت و بی توجهی مردم، همان گامها را در سایر ولایات من جمله کابل نیز تطبیق نموده اند. یک نظر اجمالی در مورد پخش موسیقی، رفتن دختران به مکاتب، بستن درب رسانه های غیر دولتی، جمع کردن گلم کتابخوانی و کتابفروشی، ممانعت از اشتغال زنان در خارج از خانه و بقیه جنایاتی که طالب و نظام ملاسالار در حق مردم و به غرض برگرداندن چرخ تاریخ به عقب انجام داده، نشان می دهد که در اکثر آن موارد، نهاد "امر به معروف" طالب در بادغیس همیشه پیشقدم این عقبگرد ها بوده، ماه ها بعد از آن همان ممانعت ها و محدودیت ها در شهر کابل و بقیه شهر های بزرگ اعمال شده اند.

۳- فرمان کنونی اداره امر به "معروف" طالب در بادغیس و ممانعت از بازی فوتبال، دقیقاً نقطه آغاز سیاستی است که سرانجام در سراسر افغانستان اعمال خواهد شد. ممانعت از بازی فوتبال و سایر ورزشها، برنامه ایست دقیق از جانب طالب و کلیت ارتجاع هار مذهبی تا نسل جوان ما را از تحرک بازداشته، آنها را در بند و زنجیر عقب ماندگی ها و تاجر مذهبی در چار دیواری های مساجد و تکایا محبوس نمایند.

اگر اینطور نمی بود، در حالی که وزارت اوقاف و حج مسؤلیت ساختن مساجد را به دوش دارد چه نیازی بود که وزارت تحصیلات عالی، بیش از ده میلیون افغانی را برای ساختن یک مسجد از بودجه همان وزارت اختصاص دهد؟ این خاصه خرجی در حالی صورت می گیرد که خانواده های صد ها استاد مشغول تحصیل در خارج کشور، معاش دریافت نداشته و تعدادی از آن استادان ناگزیر شده اند برای سیر کردن خانواده هایشان درس و تحصیل را کنار گذاشته به وطن برگردند، این خاصه خرجی در حالی صورت می گیرد که همین اکنون به ده ها جلد کتاب و اثر تحقیقی استادان پوهنتون کابل به نسبت نبودن بودجه، از انتشار باقی مانده، ریاست نشرات پوهنتون کابل همیشه افلاس و جیب خالی اش را به استادان تذکار داده است.

هموطنان گرامی!

طالب و نظام ملاسالار به تجربه دریافته اند که می باید به منظور تخریب پایه های مدنیت عصری، به مانند یک موریانه و مرض جذام عمل نموده، ذره ذره و قدم به قدم بدون آن که دردی احساس شود، آن پایه ها را ویران نماید. حمله امروز "امر به معروف" بادغیس، همان موریانه ایست که تازه در وجود یکی از بخش های فرهنگی ما افتاده است، سکوت و بی تفاوتی در قبال آن، با اطمینان نه تنها در بادغیس محدود نمی ماند بلکه در فوتبال هم خلاصه نشده ساحات دیگری را نیز فرا خواهد گرفت. بناءً می باید آماده شد تا هیچ یک از این تهاجمات طالب را بی پاسخ نگذاشت. از جامعه ورزشی کشور گرفته تا فرد فرد کشور می باید صدای مان را بلند نمائیم و نگذاریم تا طالب و نظام ملاسالار زیر نام "جلوگیری از بدعت" ما را با دنیائی که در آن زندگانی می نمائیم بیگانه بسازند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!